«بازی مرکب» چگونه همه دنیا و تماشاگران را اسیر خود کرد؟

بازی خشونت و حرص

۱۸

شرمین نادری از تجربه زندگی در سیستان و بلوچستان می‌گوید

مهربانی بازگشت و مرا غرق کرد

۱۶

گفت‌وگو با نیوشا ضیغمی که دوباره پرکار شده است

من بازیگر کمدی نیستم

۱۷

نگاهی به فیلم موقعیت مهدی و موفقیتش در جشنواره فجر

یک فیلم بلندقامت

۱۸

ویژه نوروز ۱۴۰۱

فرهنگ

پنجشنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ شماره ۶۱۸۱

جام جم ۱۵

روایتی از یک مستند که توصیه می‌کنیم آن را حتما ببینید

و فور لبخند در حضور رهبر

مستند «غیررسمی ۴» روایتی از دیدار شاعران طنزپرداز با رهبر انقلاب در سال ۹۸ است / عکس: leader.ir

یادداشت

شبکه نمایش خانگی، متنوع اما پادرهوا

جبار آذین

منتقد و مدرس سینما

شبکه نمایش خانگی به‌عنوان یک ارتباط فرهنگی و اجتماعی می‌تواند تاثیرگذار باشد اما باتوجه به ظرفیت ارتباط اجتماعی آن در جریان رسانه‌های کشور به‌ویژه جریان مسلط فرهنگی ایران به‌عنوان یک اتفاق فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده ظاهر نشده است. به دلیل این که در درجه نخست چنین جریان مهم و تاثیرگذاری که می‌تواند درخصوص فرهنگ‌سازی و ارتقای آثار نمایشی و تصویری به‌ویژه تلویزیونی و سینمایی به شکلی اساسی نقش‌آفرین باشد از زاویه مدیریت فرهنگی و اداره دچار اشکال است. یعنی این بخش هم مانند سایر بخش‌های فرهنگی کشور باید از مدیریت تخصصی برخوردار باشد. به موازات همین برخورداری از مدیریت تخصصی باید برنامه‌ریزی اساسی برای این شبکه صورت گیرد چون در هر حال عنوان این شبکه، خانوادگی و اجتماعی است، یعنی دست‌کم در شعار مخاطبان مشخص دارد؛ بنابراین هدف اصلی تولیدات این شبکه باید ورود به درون عاطفه و قلوب خانواده‌ها و جامعه باشد. وقتی این هدف مدنظر است باید تولیدات آن باتوجه به نظر، سلیقه، باور و نیازهای مخاطبان و خانواده‌ها و به‌ویژه نسل جوان شکل بگیرد. از یک‌طرف به دلیل ضعف مدیریت این مورد به شکل کامل اجرایی نشده است. از طرف دیگر می‌بینیم بعد از یک دوره که این شبکه زیرنظر وزارت ارشاد اداره می‌شد و بعد از آن به‌عنوان زیرمجموعه به تلویزیون پیوست اما هنوز دارای سبک و شیوه و اهداف و سیاست‌های مشخص و هدفمند نیست یعنی در این زمینه هم پادرهواست و هنوز مشخص نیست متولیان این شبکه می‌خواهند چه بگویند و چه چیزی را به‌عنوان دستاورد به مردم ارائه کنند؟

در میان تولیدات این شبکه که توانایی و ظرفیت مهم و تاثیرگذاری اجتماعی را دارد و همچنین می‌تواند پله‌ای برای تعالی فرهنگ تصویری و نمایشی کشور باشد همه گونه اثری به چشم می‌خورد و کارگردان‌های مختلفی در آن مشغول به کار هستند از جمله کسانی که به هر دلیلی نمی‌توانند در تلویزیون، فیلم و سریال بسازند سر از این شبکه درمی‌آورند. طیفی از این گروه، چیزهایی را در آثار خود ارائه می‌کنند که همخوانی درستی با فرهنگ جامعه ندارد. در امتداد همین روند همچنان به شکل پررنگی، کپی‌برداری از آثار دسته چندم ماه‌واره‌ای به‌ویژه ترکیه‌ای را شاهد هستیم. یعنی این شبکه که باید با هدف ارتباط درست و خوب فرهنگی و اجتماعی، فرهنگ ایران را به مخاطب ارائه و فرهنگسازی کند، مسیر فرهنگ‌سوزی را پی‌می‌گیرد.

ما هنرمندان مستعد و قابل، کم نداریم که می‌توانند به‌خوبی از ظرفیت‌های شبکه نمایش خانگی استفاده کنند اما چون مدیریت درستی وجود ندارد، یکباره همان طنزگونه‌های به اصطلاح اجتماعی و خانوادگی سینما که رویکرد سخیف دارند در این شبکه هم دیده می‌شود. این‌ها هم به جامعه ضربه وارد می‌کند و هم بیت‌المال را هدر می‌دهد. وقتی هدف مشخصی وجود داشته باشد و فرهنگ جامعه مدنظر باشد و فرهنگ ایرانی و اسلامی الگو قرار گیرد این ظرفیت می‌تواند همچنان بالنده باشد به شرط این که مانند دیگر بخش‌های فرهنگی جامعه عمدتا رفیق‌نوازی و باندگرایی در آن شکل نگیرد. تاکید می‌کنم هنرمندان خوبی داریم که سابقه خوب سریال‌سازی در تلویزیون را دارند اما راهی به شبکه نمایش خانگی پیدا نمی‌کنند. وقتی علت را جویا می‌شویم، می‌گویند امکان کار را برای ما فراهم نمی‌کنند یا همکاری مساعدی با ما ندارند اما در عوض کسانی که مرتب در تلویزیون و سینما کار می‌کنند در شبکه نمایش خانگی هم فعال هستند. یعنی این ظرفیت خوب فرهنگی تبدیل به ظرفیت خوب سوداگری برای یک عده خاص شده که مدام کار می‌کنند و فقط پول درمی‌آورند که با اهداف اولیه شبکه نمایش خانگی همسو نیست.

ما در سال ۱۴۰۰ شاهد انواع تولیدات در شبکه نمایش خانگی بودیم از آثار عاشقانه، اجتماعی تا جنایی و کمدی. این نشان می‌دهد می‌توان همه نوع کاری در این شبکه ساخت و تنوع تولیدات منطبق با خواست و سلیقه‌های مختلف مخاطبان است. به شرط مدیریت درست و سلامت‌اندیشی و استفاده از قابلیت همه طیف‌های هنرمندان، اتفاقات مثبتی در این شبکه می‌افتد. شبکه نمایش خانگی ظرفیت‌های خوبی دارد به شرط این که از یک ارتباط فرهنگی و اجتماعی به یک اتفاق بزرگ فرهنگی تبدیل شود. این اتفاق هم زمانی رخ می‌دهد که تولیدات توسط هنرمندان حرفه‌ای با مدیریت درست با مضامین و محتوای مردمی شکل بگیرد. درآن صورت است که شبکه نمایش خانگی می‌تواند در یک مسیر رقابتی و نه رفاقتی حتی با تولیدات تلویزیون و سینما، مرز بالندگی را طی کند اما الان این‌گونه نیست گرچه از منظر استقبال برخی آثار شبکه نمایش خانگی توانسته از بعضی سریال‌های تلویزیونی جلوتر باشد اما این به معنای خوب‌بودن، قوی‌بودن و استانداردبودن آثار نیست بلکه به دلیل ضعف تولیدات تلویزیون است. درحالی‌که این شبکه می‌تواند با حفظ همین تنوع موجود و با تکیه بر برنامه‌های هدفمند، سیاست‌های مشخص فرهنگی و مدیریت خوب و استفاده از قابلیت همه هنرمندان، سریال‌ها و برنامه‌های موفق‌تری بسازد و به یک اتفاق خوب و بزرگ فرهنگی تبدیل شود.

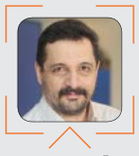

آرش شفاعی

دبیر فرهنگ و هنر

باید برای این اصطلاح فرنگی غیرفرهنگی «اسپویل کردن» هرچه زودتر یک معادل فارسی دست و پا کنیم. الان که می‌خواستم این مطلب را شروع کنم مدتی سر در جیب تفکر بردم که چگونه بدون استفاده از واژگان فرنگی به اطلاعتان برسانم که می‌خواهم مستند غیررسمی ۴ را برایتان اسپویل کنم. به هر حال در همین روزهای تعطیلات نوروز، گوش به زنگ باشید که وقتی زمان پخش این برنامه اعلام شد، آن را از دست ندهید. مستندی که به شرح وقایع یکی از دیدارهای غیررسمی رهبر انقلاب می‌پردازد و پر است از لحظاتی که لبخند و شاید هم خنده‌های از ته دل مهمان‌تان کند و به همین دلیل با روزهای نوروز و عید و شادی نسبت دارد.

یکی از روزهای تیر ۱۳۹۸، درست زمانی که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پهپاد پیشرفته آمریکایی را بر فراز آب‌های خلیج‌فارس منهدم کرده بودند، آیت ا... سید علی خامنه‌ای، رهبر و فرمانده کل قوای ایران در دفترشان که در مرکز تهران واقع شده، یک جلسه غیررسمی داشت. امروز می‌دانیم در آن روزها جان بولتون، ترامپ را متقاعد کرده بود تأسیسات نظامی و نفتی ایران را در بندرعباس به تلافی هدف قرار دهد و همه دنیا منتظر بودند آتش درگیری نظامی تهران و واشنگتن بالا بگیرد. فکر می‌کنید اگر ترامپ، بولتون و پمپئو می‌فهمیدند در همان لحظات که جلسات سنگین و پرفشار داشتند، آیت‌ا... خامنه‌ای گروهی از شاعران طنزپرداز را دعوت کرده‌اند و شعرهایشان را می‌شنوند و نکته‌های طنزآمیز به هرکدام‌شان می‌گویند، چه حالی پیدا می‌کردند؟

شاید شما هم بگویید واقعا در آن شرایط چه جای چنین جلساتی؟ اما رهبر انقلاب از منظری به چنین جلساتی نگاه می‌کنند که دعوت از شاعران طنزپرداز تفاوت زیادی با جلسه حساس با فرماندهان نظامی ندارد. رهبر در همین دیدار به طنزپردازان می‌گویند: در زمینه مسائل بین‌المللی و جبهه بیرونی طنز ما کم کار است. شما توجه کنید از وقتی انگلیسی‌ها وارد ایران شده‌اند کدام خدمت کوچک را به کشور کرده‌اند؟ دائما ضربه زده‌اند بعد هم تحویل آمریکایی‌ها داده‌اند و آنها این کار را ادامه داده‌اند. اینها با ایران ایرانی دشمن‌اند و هرجا تیغ‌شان ببرد، ضربه می‌زنند. البته فقط محدود به ایران نیست به هند، مصر و دیگر کشورها نگاه کنید، اینها هرجایی رفته‌اند مشکل درست کرده‌اند. با جمهوری اسلامی البته بدترند چون جمهوری اسلامی محکم ایستاده و زیر بار روزگویی آنها نمی‌رود. ما هم باید با قدرت تمام در برابر جبهه دشمن از تمام امکانات استفاده کنیم، گاهی این امکانات توانایی‌های نظامی است، گاهی اقتصادی و گاهی هم هنر و ادبیات و یکی هم که خیلی مهم و مؤثر است، طنز است. البته در حوزه طنز انصافا در بحث بین‌الملل، کاریکاتور فعال است و باید از دوستانی که در این زمینه فعالند، تشکر کنیم.

پس شما هم این دیدار را به چشم دیدار رهبر انقلاب اسلامی با افسران جبهه تبلیغاتی و فرهنگی انقلاب ببینید، در این صورت متوجه می‌شوید مقابله با جبهه دشمنان جمهوری اسلامی، فقط محدود به موشک و به دست افسران نظامی نیست.

امام را چه به طنز؟

جلسه سرشار است از این لحظات و حاضرجوابی‌های رهبر. اگر می‌گویم دیدن این مستند خالی از لطف نیست برای این است که با وجه طنازانه و تسلط ادبی رهبر بر حوزه ادبیات طنز آشنا می‌شوید. چند نمونه را مثال بزنم و بعد بروم سراغ حرفی که می‌خواهم بگویم.

رهبر وقتی وارد جلسه می‌شود، خطاب به حاضران می‌گوید جلسه تا اذان ادامه خواهد داشت، یکی از حاضران هم می‌پرسد نماز را هم در خدمت شما خواهیم بود و آقا جواب می‌دهند اگر شما هم نماز بخوانید، بله!

اسماعیل امینی در بخشی از مراسم درحال گلایه از دست مسؤولان است و می‌گوید: ریش ما رسما دست سیاستمداران است که رهبر به او نگاه می‌کنند و می‌گویند: ریش نداشته‌تان!

از این دست نمونه‌ها باز هم هست و اگر مستند را ببینید، می‌فهمید در محضر رهبر انقلاب طنز و خنده رایج است، درست مثل تصویری که همه از امام و جلسات‌شان در ذهن داریم. اتفاقا رهبر انقلاب به این مسأله اشاره می‌کنند. یکی از شاعران طنزپرداز روحانی است و قبل از شعرخوانی‌اش می‌گوید مردم هنوز با طنز آشنایی زیادی ندارند و به‌خصوص برای من که در لباس روحانیت هستم، سخت است. آیت ا... خامنه‌ای بعد از شنیدن شعر او می‌گویند: من این حرف را که مردم از معممین انتظار شوخی و طنز ندارند، قبول ندارم. امام (ره) که مظهر وقار روحانی بود در صحبت‌هایش همیشه بحث‌های طنزگونه بود و همیشه جلسات با امام شیرین بود. نکته‌های طنز و حرف‌های شیرین می‌گفت و خودش هم نمی‌خندید و آدم گاهی تکان می‌خورد از این نکته‌ها. آقای راشد هم این گونه است که روی منبر حرف زدن عادی‌اش هم شیرین و بهجت‌آور است. اسماعیل امینی تأکید می‌کند من پژوهشی درباره طنز در آثار امام (ره) انجام داده‌ام اما به من گفتند این چه حرفی است؟ امام و طنز؟! رهبر پاسخ می‌دهند یک جاهایی دیگر بحث بی‌اعتمادی نیست، بدخواهی است و همین مورد را مثال می‌زنند. البته با توجه به این‌که این دیدار چند سال قبل انجام شده از اسماعیل امینی پرسیدم بالاخره کتاب منتشر شد؟ امینی گفت: کتاب منتشر شده اما جلوی توزیعش را گرفته‌اند! خدا کند دوستان مؤسسه تنظیم آثار امام این مستند را ببینند و اجازه توزیع کتاب را بالاخره صادر کنند.

گنبدتان را گرفتید؟

قاسم رفیعا از دوستان قدیمی من است و آن‌قدر خاطرات شیرین طنز از او دارم که خودش می‌شود یک ویژه نامه خواندنی نوروزی ولی شما احتمالا قاسم را با شعر بچه محله امام رضا(ع) می‌شناسید که سال ۱۳۸۷ در دیدار نیمه ماه رمضان شاعران با رهبری خوانده شد.

...کفترارِ که بردم از روگنبد/ مُرُم مو واز تونخ رفت وآمد

تو نخش او گنبده طلایم/ بچه محله امام رضایم...

این شعر، شاید از نظر شما یک طنز ساده است اما به قول شهرام شکیبا خیلی شعر مهمی است و خواندنش در جلسه دیدار رهبری مهم‌ترش کرده است. یک طنزپرداز در حضور یک فقیه درباره یک موضوع مقدس طنز می‌خواند، البته او با امر مقدس شوخی نمی‌کند اما شاید بعضی‌ها در همین حد از شوخی را هم برنتابند و تأیید رهبر بر این شعر طنز مؤدبانه اما متفاوت، راه تازه‌ای در برابر شعر طنز باز می‌کند.

در این مستند هم قاسم رفیعا هست و همین که می‌خواهد شعرش را بخواند، رهبر می‌پرسند: بالاخره گنبد را گرفتید؟ رفیعا به ماجرای مشهور شدن این شعر می‌پردازد و یکی دو نمونه از بازخوردهای شعرش تعریف می‌کند. یکی این‌که وقتی شعر همه جا مشهور می‌شود، مسؤولان آستان قدس در زمان تولیت مرحوم آیت ا... واعظ طبسی از رفیعا دعوت می‌کنند و به او غذای حرم می‌دهند. وقتی که غذاها را زیر بغل می‌گیرد و در حال خروج از حرم است، می‌شنود که مادر و دختری به هم می‌گویند این آقا همین کسی نیست که می‌گوید ۴۰ سال است آرزوی یک ژتون غذا دارد، اما هر روز می‌آید و غذا می‌گیرد و به خانه می‌برد.

یادرفتگان

در این نشست یادگذشتگان جاری و ساری است. یادکرد پررنگ مرحوم کیومرث صابری که رهبر چند بار از او یاد می‌کنند و گوشه‌هایی از یک دیدار صابری با رهبری و تقدیم کتاب ایران‌شناسی به ایشان و شوخی‌ها و صحبت‌های این دو نفر با هم نمایش داده می‌شود. همچنین یادرفتگان دیگری چون مرحوم زرویی نصرآباد و مرحوم منوچهر نوذری در این مستند هست. تمجید رهبر از فعالیت‌های هنری و ادبی و تأثیرگذاری این بزرگان، نشان دهنده این است که رهبر انقلاب با همه دغدغه‌ها و دردسرهایی که کارهای سیاسی و حکمرانی در عالی‌ترین سطح دارند، اتفاقات فرهنگی و هنری کشور را از نزدیک مشاهده می‌کنند و افراد و جریان‌های مؤثر را می‌شناسند. نکته مهم این که در این دیدارها، چهره‌های فرهنگی و هنری احساس نمی‌کنند با یک مقام عالی رتبه سیاسی همنشین هستند. چیزی که معمولا در دیدار با مسؤولان دیگر کشور، چه راست و چه چپ به اهل فرهنگ دست می‌دهد. این صمیمیت و مهر دو جانبه را در لحظه لحظه این مستند می‌بینید. وقتی این مستند را تماشا می‌کنید به یک چیز دیگر هم دقت کنید و آن را با رفتار مسؤولان دیگر کشورها مقایسه کنید. رهبر به حرف‌های طرف مقابل گوش می‌دهد، بعد از آنها حرف می‌زند و پاسخی کوتاه اما کارشناسی دقیق به آنها می‌دهد، درست برعکس تقریبا اغلب مسؤولان دیگر!